

نوبت «د»

بر اساس زندگی سردار شهید شاهرضا رضایی

به سفارش و حمایت مالی
کنگره‌ی بزرگداشت سرداران شهید و دو هزار و هفتصد شهید استان خراسان
شمالی، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
و بسیج سپاه حضرت جوادالائمه (ع)

روزبه خراسانیان

سرشناسه	: خراسانیان، روزبه، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: نوبت «د» بر اساس زندگی سردار شهید شاهرضا رضایی
مشخصات نشر	: بجنورد، دُرُج سخن ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۰ ص ۵/۲۱×۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-600-7483-23-7
وضعیت فهرست‌نویسی	: فبیای مختصر
پادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: سپاه حضرت جواد(ع)، خراسان شمالی، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج، بجنورد، پادگان شهید پروتسی، - سفارش دهنده
شناسه افزوده	: کنگره بزرگداشت سرداران شهید و دو هزار و هفتصد شهید استان خراسان شمالی
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۴۴۶۵۵

نوبت «د»

روزبه خراسانیان

تنظیم و صفحه‌آرایی: انتشارات دُرُج سخن

طراح جلد: ابوالفضل عظیمی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۳-۲۳-۷



Dorjesakhan@gmail.com

۰۹۳۳۱۸۴۲۵۴۸ و ۰۹۱۵۱۸۴۲۲۴۸

خراسان شمالی، بجنورد، بلوار استقلال، شهید نوریان، پلاک ۱۴

مقدمه:

«امروز ارزش زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از خود شهادت نیست. برای بزرگداشت شهدا اقدام کنید! نام شهیدان سرافراز را زنده کنید!»

مقام معظم رهبری

سلام و صلوات بر ارواح پاک و انفاس قدسی شهدا از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی و سلام و درود بر رهبر معظم انقلاب و روح پرفتوح معمار کبیر و بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران. به تاریخ شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران که می‌نگریم، چند نکته قابل توجه و تأمل دست از گریبانمان بر نمی‌دارد که می‌توان آن‌ها را به دودسته‌ی کلی تقسیم کرد: خارجی و داخلی.

مروری بر حوادث یک سال و چند ماه پیروزی انقلاب اسلامی تا حمله‌ی صدام به خاک جمهوری اسلامی نشان از یک برنامه‌ی از پیش تعیین‌شده برای براندازی نظام نوپای اسلامی دارد.

فشارهای برون‌مرزی متعددی شبیه: جنگ تبلیغاتی، سیاسی روانی؛ محاصره‌ی اقتصادی؛ بلوکه کردن دارایی‌های ایران؛ تهدیدات نظامی (مداخله نظامی در طبرستان و ...)، تحریف ماهیت انقلاب اسلامی در عرصه‌ی بین‌المللی؛ دامن زدن به تروریسم و ناامنی داخلی و حمایت از آن که هدف از این اعمال، بدبین ساختن افکار عمومی جهان نسبت به انقلاب اسلامی، جلوگیری از شناسایی سیاسی جمهوری اسلامی و فراهم ساختن زمینه‌های جنگ علیه ایران بود.

برژینسکی (مشاور ارشد امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر) ایران پیش از انقلاب را جزیره‌ی ثبات خوانده بود و هنوز مدت‌زمان زیادی از گفتن این حرف نگذشته بود که آتش انقلاب اسلامی در ایران شعله‌ور شد. درواقع پیروزی انقلاب اسلامی، فقط موجب از بین رفتن «جزیره‌ی

ثبات» در منطقه‌ی خاورمیانه نشده بود بلکه تمامی الگوها و هنجارهای موردنظر غرب در خاورمیانه و خلیج فارس را بر هم زده بود.

تفکر امام خمینی (ره) با صدای مثال‌زدنی، احیاء تفکر دینی و مذهبی را بیان می‌کرد و ابرقدرت‌های آن دوران نگران این موضوع بودند که ثبات موردنظرشان در خاورمیانه و همچنین جریان آرام و مطلوب نفت خلیج فارس، با تثبیت انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران به خطر افتد.

به همین دلیل ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی علی‌رغم اختلاف‌نظرها و عملکردهای فراوان و برخاسته از فضای جنگ سرد در نارضایتی از انقلاب اسلامی ایران موضع یکسانی داشتند.

عراق با جمعیتی که تقریباً نیمی از آن‌ها شیعه‌مذهب بودند و سابقه‌ی چند انقلاب و کودتا تا پیش از ریاست جمهوری صدام حسین را داشتند، در همسایگی جمهوری اسلامی ایران؛ تمامی مسائل داخلی و بین‌المللی ما را بررسی می‌کرد.

صدام ذاتاً آدم جاه‌طلبی بود ولی در کنار آن انگیزه‌های جداگانه‌ای نیز برای جنگ داشت. او از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جمعیت ۶۰ درصدی شیعیان عراق نگران بود. صدام همان‌گونه که خود و دولت‌مردانش به دفعات اعلام کردند، از قرارداد الجزایر ناراضی بود و در پی فرصتی برای لغو آن و یا حل دائم اختلافات مرزی دو کشور مطابق میل خود بود. صدام مایل بود در برنامه‌ی نابودی انقلاب اسلامی ایران و از بین بردن خط تفکر اسلامی برای استعمارگران در منطقه پیش‌قدم شود تا بتواند حمایت دولت‌هایی که با پیروزی انقلاب اسلامی منافعشان به خطر افتاده بود را جلب کند و شخصاً رهبری جهان عرب را به دست گیرد.

به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران سیاسی، جنگ تحمیلی علیه ایران را تهاجمی فرا منطقه‌ای و برخاسته از اراده‌ی برون‌مرزی می‌شمارند

ولی ایمان و اعتقاد راسخ رزمندگان ایران به حقانیت انقلاب اسلامی، رهبری حکیمانه پیر جماران امام خمینی (ره) و موج عظیم مردمی که در قالب «بسیج» برای دفاع از کیان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران طی ۸ سال دائماً

حضور خود را در جبهه حفظ کردند، بزرگ‌ترین سرمایه‌ی انقلاب و نظام بود و مهم‌ترین نقش را در توقف ماشین جنگی عراق بر عهده داشت.

در بررسی عوامل شکست عراق در دستیابی به اهداف اعلام‌شده‌اش، علاوه بر ایمان و اعتقاد رزمندگان ایرانی، روحیه‌ی شهادت‌طلبی و عقبی‌نگری در بین نیروهای ایرانی؛ ولایت‌پذیری و حرکت بر راستای مدار ولایی نیروهای ایرانی، عوامل دیگری از قبیل ناامیدی حامیان صدام از سقوط جمهوری اسلامی، مردمی شدن جنگ و سرانجام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران نیز بی‌تأثیر نبود.

نتیجه آن شد که عراقی‌ها ۸ سال پس از شروع جنگ در همان نقطه‌ی اوتیه‌ی آغاز جنگ قرار داشتند.

و اما روی سخنم با تو است، ای شهید!

که عاشق نگاهت شدم، عاشق کلامت شدم و خواستم ترجمانی باشم از فهم و درکت، از شور و شعورت.

چه حرف‌هایی ناگفته و چه دردهایی بر زبان جاری نشده در آن نگاه آشنا بود.

وقتی برای آخرین بار پدرت را دیدی، کاش می‌دانستی او، هم به‌جای چشم‌های منتظر و دردمند مادر که لحظه‌های بیماری را سپری می‌کرد، گام‌های استوارت را می‌بیند و هم به‌جای خودش! پدری که با رزق زحمتکشی فرزند را به بار آورده بود.

و همان چشم‌ها هنگامه‌ای به پا کرد زمانی که نیامدی، زمانی که خبری از تو نبود، هیچ‌کس اطلاعی از تو نداشت.

می‌دانستند که رفته‌ای ولی اثری، نشانه‌ای، حتی پلاکی از تو برای اثبات این ادعا وجود نداشت. زمانی که به خواب پدرت آمدی، کنار پلکان منزلت نشستی، منزلی که خودت با دستان خودت ساخته بودی و تنها دغدغه‌ات حاضر کردن آن بود برای سروهمسرت تا اگر رفتی و به خواست خدا و برای رضای او

شهد گوارایی نوشیدی، ایشان در سرپناهی امن و مأمنی پر از معنویت و صفا جا داشته باشند.

تقدیر چنین برایم رقم زد تا چند صفحه‌ای را از پس دریچه‌ی احساسم، قلم بزنم و حرفی، صحبتی یا کلامی را بنگارم اما هر چه پیش‌تر رفتم، ناتوانی خودم (در بیان درکی شهودی که از زندگی و شهادت و حیات طیبه داشتم) را بیشتر و بهتر درک کردم.

تازه آنجا بود که دانستم نباید لفظ «مرگ» را برای رفتن استفاده کرد، حتی در پشدار نیز شمارا باید زنده محسوب کرد که شهید هستید و شاهد، همانا نص صریح قرآن نیز همین است.

بنای آن داشتم که از زاویه‌ی دید تو دنیا را ببینم و روایت کنم. از آن نگاه‌هایی که جز زیبایی هیچ ندیدند. همگان را برادر خود دانستند و مشفقانه ایثار کردند، گذاشتند تا ما قدر عافیت بدانیم. نگاهی سرافرازانه و پیروزمندانه که حتی شلیک گلوله را به اذن خداوند و برای رسیدن به رضای الهی انجام دادند اما من حقیر سرا پا تقصیر کجا و شما کجا! نگاه شما کجا و آه ما کجا. بر آن شدم که فقط به تکلیف عمل کنم و «به زنده نگه داشتن یاد شهید» بسنده کنم.

جا دارد که از کمک‌های بی‌دریغ مسؤول محترم مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس بسیج و سپاه حضرت جوادالائمه (ع) برادر بزرگوار و ارجمند «جناب سرهنگ محمود وضیع» سپاسگزاری نمایم که اگر صبر و شکیبایی و پیگیری‌های مستمر ایشان برای تکمیل پرونده شهید شاهرضا رضایی نبود، این صفحات هیچ‌گاه در برابرم گشوده نمی‌شد.

والسلام علی من اتبع الهدی

روزبه خراسانیان محرم الحرام سال ۱۴۳۶ هجری قمری